

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سروش
۰۸ مارچ ۲۰۲۳

نان، کار، مسکن، آزادی!

(رهانی زنان و رهانی زحمتکشان متلازم هم اند!)

همه ساله از هشتم مارچ به عنوان نمادی از مبارزات زنان مبارز و در دفاع از زنان بی حقوق و تحت ستم جهان بزرگداشت صورت می گیرد. هشتم مارچ در کشور ستمزده ما در حالی فرا می رسد که زنان اسیر کشور ما در تحت دره و شلاق ارتجاع جنایت پیشه طالبی و نظام ضد انسانی آن به کمک مستقیم امپریالیسم غدار و ریاکار امریکا و شرکاء، در معرض شدید ترین ستم، استثمار، گرسنگی، تبعیض جنسیتی، خشونت عنان گسیخته حاکمیت دار و تازیانه فاشیست های زن ستیز و دانش ستیز طالبی در محرومیت کامل از حقوق مسلم تعلیم، تحصیل، کار و تعیین سرنوشت، با دره و سنگسار، تجاوز، محاکمه صحرائی و هزار و یک مصیبت و جنایت نابخشودنی دیگر ارتجاع حاکم طالبی و حامیان امپریالیست و مرتجع بیرونی شان، رو به رویند و محصور در چهاردیواری خانه.

آری، همه روزه مردم مظلوم افغانستان در تحت شرایط فوق در بدترین شرایطی قرار دارند که مشکل است نام زندگی را بر آن نهاد. در میان این ستمکشان، زنان و "مادران" آزاده میهن ما در قعر این جهنم سوزان در جنگال خونین نظام توحش ضد انسانی متشکل از گرگان هار و درنده طالبانی امپریالیسم و سائر باند های اخوانی، مافیائی و تروریستی شبه طالبانی، گرفتار اند. ۱۸ ماه است که بر اثر جنایت مشترک امپریالیسم رسوای امریکا، متحدان عمدتاً ناتوی اش و مزدوران جنایتکار طالبی؛ مردم ستمدیده، به خصوص زنان تحت ستم کشور ما از صف زحمتکشان گرفتار این جهنم سوزان شده اند. این وضعیت جهانی به اشکال مختلف از زنان ستمکش افغانستان قربانی می گیرد: زنان کشور ما در یک جامعه کهن از دیرباز تا کنون قربانی مالکیت خصوصی طبقاتی، قوانین ارتجاعی، سنت های پوسیده قرون وسطائی، فرهنگ مردسالار و شریعت و خرافات طالبانی و شبه طالبانی عمدتاً مرتبط با شکل فئودالی - نیمه فئودالی این مالکیت، بوده اند. در نتیجه، زنان بی حقوق کشور ما به اشکال مختلفی توسط این عوامل روبنائی و به طور عمده فتاوی، شریعت سنگک شده، قوانین و دساتیر قرون وسطائی و منسوخ طالبان حاکم، محروم از کلیه حقوق حقه انسانی و آزادی های مدنی و اجتماعی لازم یک شهروند و انسان، محروم بوده و تحت قیودات ضد انسانی یک نظام ستمگر طبقاتی متأثر از بدویت تاریخی و قوانین، سنت ها و ارزش های پوسیده، محاکم صحرائی و تازیانه آن دست پا می زنند. جنایتکاران طالب با تأیید و حمایت ضمنی و اغماض دول امپریالیستی و ارتجاعی شرق و غرب " تحت نام نسبیت فرهنگی و عدم مداخله"، با بستن دروازه های مکاتب و دانشگاه ها به روی دختران میهن ما، با شلاق زدن زنان و

تحقیر آنان در ملاء عام، ربودن زنان معترض، شکنجه، زندانی، تیرباران، سنگسار، تجاوز، تهدید و ارباب ناموسی و... دشمنی شان را با نیمه بشریت (زنان) اعلام داشته در چنین حالت بی حقوقی کامل، زنان کشور ما که ماه ها است که قربانی جهل و جنایت عامدانه و سیستماتیک مزدوران مرتجع طالبی امپریالیسم و دول مرتجع همجوار و منطقه شده اند، در این جهنم ایجاد شده جان می کنند. برخی از این زنان مظلوم و ناآگاه کشور از فرط استیصال، به جای چنگ زدن به سعی و تلاش نجاتبخش جمعی، به آتش زدن و خودکشی پناه می برند. این زنان مظلوم نیز قربانی تفکر پوچ قرون وسطانی این ستمگران و مزدوران تبهکار طالبی، فرهنگ ضد انسانی مردسالار و سنت های پوسیده شده اند.

به رغم آن که پیشینه مبارزات، فداکاری و ایثار زنان کارگر کارخانه های شیکاگو، تجربه زنان در کمون پیروزمند پاریس و دفاع زنان سوسیالیست از ایده روز جهانی زنان مبارز و در ادامه مبارزات پرستارورد زنان و نهاد های کشوری و جهانی زنان در اقصی نقاط گیتی تا امروز، به ربع اخیر قرن نوزدهم برمی گردد؛ ولی با این پسمنظر، زنان افغانستان در قرن بیست یکم بدتر از زنان هر کشور تحت ستم و استثمار در تحت سلطه طبقاتی و امپریالیستی، اسیر چنگال وحشیانه نظام تراز فاشیستی مزدور امپریالیسم جنایت پیشه (نظام طالبانی) قربانی دارند، زجر می کشند، زندانی و شکنجه می شوند و مورد تجاوز قرار می گیرند یا در محاکم صحرایی در محضر عموم شلاق می خورند یا سنگسار می شوند. در جامعه کهن افغانستان، با اقتصاد و فرهنگ و قوانین عقب افتاده فئودالی - نیمه فئودالی تحت سلطه غیرمستقیم و در مقاطعی مستقیم استعماری، استبداد خونین، سیطره خشن دیرینه دین و مذهب و نهاد های دینی ارتجاع حاکم فئودالی - کمپرادوری و در حمایت از آن، سیطره اسارتبار و سرکوب سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم؛ مبارزات زنان و خود زنان نتوانسته اند به صورت مستقل و کارساز در سپهر سیاسی - و پهنای جامعه عرض اندام کنند. هر چند که در مقاطعی تلاش هائی از بالا و پائین صورت گرفته است، ولی به دلیل سلطه سنگین و جابر ارتجاع فئودالی مذهبی و غیرمذهبی و استعمار، این تلاش ها به کسب آگاهی، تحرک و رهائی همه جانبه زنان افغانستان منجر نشده است.

با نصب مزدوران زن ستیز، ستمگر و جنایتکار طالبان بر اریکه "امارت" پوشالی در ارگ غلامان قبلی اشغالگران دیروزی و آغاز صدور فرامین و دساتیر ضد زن، ضد دانش و ضد انسانی توسط این اداره ضد مردمی؛ زنان و دختران معترض در کابل و برخی از شهر های دور از کابل با قبول شلاق، زندانی شدن و شکنجه، شجاعانه در برابر طالبان دره به دست ایستاده و اعتراض خود را همصدا با زنان و جوانان معترض ایرانی در برابر نظام های خون آشام تئوکراتیک طالبانی و آخوندی جنایت پیشه و ستمگر بلند کرده و بی هراس شعار "نان، کار، آزادی" را سردادند.

آری، انزجار و اعتراضات نهفته و آشکار زنان و مردان هموطن ما در ختم درامه "دموکراسی و حقوق زنان" با کارگردانی امپریالیسم اشغالگر امریکا و با نقش آفرینی مزدوران مدنی دنی و تسلیم طلب، از همان آغاز دوره تسلیمی نظام پوشالی و مزدور غنی فراری در ۲۴ اسد ۱۴۰۰ش به حاکمیت دار و تازیانه گروه نامشروع سرکوبگر و زن ستیز طالبی شروع شد.

آری، از همان بدو تقرب سران فاشیست طالبان در ارگ مزدوران قبلی امپریالیسم امریکا و آغاز صدور امر و نهی زن ستیزانه این گروه شقاوت پیشه ماورای ارتجاعی، زنان غیرتمند و با عزت و دختران رزم جو در ولایات های مختلف کشور با ریختن به خیابان ها، دست به تظاهرات زدند. نخستین صدای آزادیخواهانه و حرکت دادخواهانه و خودجوش زنان در برابر این گروهک های آدمکش منتصب بر سریر قدرت پوشالی، پس از چهار روز حاکمیت شان در ۲۸ اسد ۱۴۰۰ش اعتراضات شان را آشکارا در کابل و سپس در دیگر ولایات کشور سر و صورت دادند.

فریاد آزادیخواهان زنان کارگر شهرک صنعتی هرات در کنار مطالبات و حقوق حقه خواهران شان چون حق تحصیل، حق کار و... به تاریخ ۱۱ سنبله ۱۴۰۰ش با سر دادن شعار های «نان، کار، آزادی» در فضای کشور طنین انداخت. به تاریخ ۱۶ سنبله ۱۴۰۰ زنان در شهر مزار شریف به خیابان ها ریخته و مخالفت شان را در برابر طالبان اعلام کردند. متعاقب آن، در سائر ولایت ها مثل ننگرهار، خوست، تخار و... دختران و خواهران و زنان داغیده ما به دفاع از حق کار، تعلیم، تحصیل و سائر آزادی های اجتماعی - فرهنگی به پا خاستند، از آدمکشان دره به دست و شکنجه گران وحشی نهراسیدند و با مبارزات گسترده و صدای مظلومانه، شعار تحصیل حق ما است و شعار کار، نان، آزادی را طنین انداز ساختند. آدمکشان طالبان نتوانستند صدای زنان و دختران آزاده کشور را با خشونت و سبیت خاموش کنند، بلکه با دست زدن به سرکوب سبانه و شقاوت فاشیستی، زنان آزاده بیش تری را به مبارزه طلبیدند. زنان و دختران افغان با متهورانه به خیابان ها ریخته و بی هراس از لوله تفنگ، در برابر شلاق و چهره های عبوس و خشن طالبان پلید ژولیده موی دره به دست، شجاعانه ایستادند. خشم و اعتراض زنان کشور بیش از مردان جامعه به اشکال مختلف بدون وقفه جریان داشته و حاکمیت فاشیستی و زن ستیز ضد انسانی طالبان را به لرزه درآورده است. رژیم خون آشام طالبانی از همان نخستین روز های مبارزات زنان مهین ما، به اهمیت نقش زنان مبارز و پیشگام در الهامگیری، گسترش و بسیج زنان کشور پی برده و آگاهانه در صدد سرکوب خونین و خاموش ساختن این فریاد آزادیخواهان زنان معترض برآمد.

اما، نظام ستمگر و فاشیست طالبان با پایگاه و سیاست طبقاتی سراپا ارتجاعی، یک اداره پوشالی متشکل از جنایتکاران خودفروخته و مرتجع طالبی با اذهان انباشته از خرافات مذهبی است. این نظام و پایه اجتماعی آن ستمگر و استثمارگر است که همه روزه بر زنان و مردان تحت ستم و استثمار این کشور ستم و جنایت می کند. تکیه گاه بیرونی این اداره آشکارا ضد ملی، امپریالیسم متجاوز و ریاکار امریکا و شرکاء است و در تحت سناریوی استعماری، دساتیر امپریالیسم امریکا و شرکاء را مو به مو اجرا می کند. مزدوران تازه تقرر یافته طالبی در ارگ غلامان امپریالیسم بر طبق دستورات اربابان پلید شان بدون وقفه مجری اوامر اربابان بیرونی بوده و با خدمت به منافع استعماری و ارتجاعی، بیش ترین مظلوم و ستم را در حق زنان و مادران و خواهران ما روا می دارند. ارتجاع حاکم طالبی هر روز با وضع قوانین مذهبی و فاشیستی تازه، نه تنها سر از تن مردم جدا می کند؛ در عین حال که همراه با امپریالیسم زمینه ساز بیکاری و گرسنگی و آوارگی زحمتکشان، جوانان و نیروی کار اند، همزمان با تحمیل محرومیت ها و محدودیت ها بر زنان و دختران به زور سلاح، شلاق و خرافات مذهبی، به سلب، حقوق، آزادی بیان و سائر آزادی های حقوقی، مدنی، با بستن درب مکاتب، مراکز تعلیمی و تحصیلی و دانشگاه ها به روی دختران، معلمان و استادان زن و محروم کردن زنان از همه حقوق انسانی آنان، زنان و مردان ستمدیده و دربند کشور ما را به بند و زنجیر نیز کشیده اند. "امارت" طالبان، یک اداره مافیائی متشکل از سران مافیائی این گروه است که دست درازی در تولید، پراسیس و تجارت مشتقات تریاک، چرس و سائر مواد مخدر داشته و سالانه درآمد زیاد این گروه مافیائی از این مدرک، یکی از دلایل اختلافات میان رهبران طالبان محسوب می شود. با داشتن دست دراز در این عرصه، این گروه جنایتکار، علاوه از ارتکاب انواع جنایت و اعمال ستم، عامل ترویج اعتیاد میان زحمتکشان بی کار و فلک زده کشور ما بوده و در نتیجه در امر معتاد شدن زنان و مردان زحمتکش و محروم کشور ما به مواد مخدر، مسؤول شناخته می شود.

امروز زن و مرد بیکار و گرسنه ما در چهاردیواری زندان افغانستان تحت سلطه خونین و جابر طالبان فاشیست، ضمن محرومیت از حق زندگی، تحصیل، کار و غیره؛ از ستم طبقاتی و جنسیتی، از تبعیض جنسیتی - زبانی از وحشت و بربریت نظام طالبانی و از همین کانال، از ستم و تعدی امپریالیستی - ارتجاعی در امان نبوده و همه روزه مورد قتل و

کشتار، تجاوز، لت و کوب، تحقیر، شکنجه، به دار آویختن، دره خوردن، سنگسار شدن، محروم بودن از حقوق انسانی زندگی، تعلیم و تحصیل، کار، آزادی بیان، حاکمیت بر بدن، گزینش همسر و نوع لباس، حق علم و دانش و دسترسی به فنون و علوم و تکنالوژی عصر محروم و با قوانین فرسوده و کهنه یک هزار چهار صد سال گذشته دست و گریبان اند. در نتیجه این عوامل تازه در جنب اسباب قبلی مظلومیت و ستمکشی زحمتکشان - به ویژه زنان - توده های تحت ستم به شمول زنان، کودکان، جوانان و پیران در درون کشور و در آوارگی و غربت با بدترین و شدیدترین محرومیت ها، مشقات، تحقیر و مصائب زندگی مواجه اند که پایانی ندارد.

با این همه شقاوت و جنایت هولناک و نابخشودنی ارتجاع طالبی به حمایت مستقیم امپریالیست های جنایتکار سازمان نظامی متجاوز ناتو و اغماض و تأیید تلویحی دول آزمند امپریالیستی چین و روسیه و شرکای مرتجع شان در برابر این جنایات هدفمند و سیستماتیک طالبان، نهاد های حقوق بشری و سائر سازمان ها و نهاد ها بین المللی نیز که تحت قیادت امپریالیسم به گونه گزینشی و سیاسی دم از حقوق بشر می زنند، به نام "عفو بین الملل"، "شورای امنیت"، "دیده با k حقوق بشر"، "سازمان ملل" و سائر نهاد های متظاهر مدافع حقوق بشر و حقوق زنان در کشور های غربی... برای اغوای تعدادی از زنان ناآگاه این کشور ها (از جمله افغانستان و ایران) و به انحراف کشاندن مبارزات زنان در راستای اهداف امپریالیستی - ارتجاعی، صرف در حرف و با حقه بازی، به دفاع از زنان زحمتکش و ستمکش جهان تظاهر می کنند و همراه با مزدوران شان در کشور های تحت ستم در هشتم مارچ روز جهانی زن محافل و مجالس مجللی را از روی سٹیژ های رنگین و پرده های تلویزیون های رسوا و رسانه های وابسته شان به نمایش می گذارند. این فریاد زنان و مردان افغانستان و ایران را که درد مشترک خلق های ستمکش جهان است، و صدای گنگ زنان محروم افغانستان را که ده برابر زنان کارگر شیکاگو و نیویارک، به خاطر آزادی قربانی و جان می دهند؛ چه کسی می شنود؟ با آنهم در گوشه و کنار وطن نیمه مستعمره تحت ستم ما مشاطه گران استعمار به بهانه دین و مذهب این اجبران و پایدوان امپریالیسم که جسم دردمند زنان را با ساطور قصابی شان تکه پاره می کنند و به نمایش می گذارند، مظلومیت زنان افغانستان را در روز جهانی زن به تمسخر می گیرند.

نفرین بر استعمار و ارتجاع و نفرین باد بر این تجلیل های فرمایشی سرکاری مزدوران استعمار از هشتم مارچ! آری، زنان، خواهران مادران، دختران و مردان ستمکش افغانستان و جوانان معترض ایران اعم از پسر یا دختر، هر روز توسط تفکنداران، جانپان طالبی، اخوانی و داعشی و آدمکشان و شکنجه گران رژیم جنایتکار آخوندی حاکم بر خلق ایران و همچنان توسط بم و راکت های کور یا عمدی، قربانی می شوند و در غم و ماتم المناک در فقر و گرسنگی، و یا ضمن گریز از خشونت طالبانی خانه به دوش در مهاجرت های اجباری در کوه و بیابان و آب و جان می دهند، در کشور های همجوار پاکستان و ایران و... زندانی، شکنجه، تحقیر و استثمار شدید و حتی کشته می شوند، و یا هم در زیر خیمه های تکه پاره در زمستان سرد بی آب و نان به سر می برند. این وضعیت اسفناک جاری ستمکشان زن و مرد کشور ما به خودی خود پایان نمی یابد، باید برایش مبارزه کرده و بهایش را پرداخت.

نباید از یاد برد که مبارزه زنان بخشی از مبارزه عمومی زحمتکشان یک کشور بوده، از آن جدا نبوده و یا در تقابل با آن مطرح نیست. مبارزه زنان افغانستان نیز در تقابل با فاشیسم تمامیتخواهانه و شوونیسم جنسیتی، درنده خوئی و تفکرات پوچ و نعره های حمار طالبانی و علیه سلطه امپریالیسم طالب پرور بیرونی، بخشی از مبارزه دموکراتیک و ملی کل ستمکشان و مطالبات ملی، دموکراتیک و پیشرو آزادیخواهانه، ترقیخواهانه و برابری طلبانه زحمتکشان تحت ستم و استثمار در افغانستان است و از آن مجزا و مستقل نیست؛ زیرا زنان نیمه ای جدائی ناپذیر از نسج یا ساختار

اجتماعی هر جامعه ای اند. این تلازم چنان محکم است که بدون رهائی زنان، رهائی زحمتکشان و بدون رهائی زحمتکشان، رهائی زنان ناممکن است!

ضرورت مقابله کارساز و متشکل با تمامیتخواهی و رویکرد فاشیستی گروه طالبان و تحقق مأمول برجیدن بساط چرکین آن (همین طور سرنگونی نظام ارتجاعی توسعه طلب و سرکوبگر آخوندی در ایران)؛ قاطبه ستمکشان کشور و از آن میان، زنان و دختران آگاه، منور، مبارز و شجاع کشور ما را از صف خلق برای دفاع از حريم حقوق اجتماعی شان به حیث نیمه رزمندگی و سازندگی و کسب حقوق وصول نشده دموکراتیک، به مبارزه فرامی خواند.

آزادی همه جانبه زنان در افغانستان تحت سلطه خشن طبقاتی - نواستعماری ارتجاع حاکم طالبانی، نه در نسخه منسوخ حقوق اسلامی زنان نهفته است؛ نه تحفه اهدائی امپریالیستی های غدار است؛ نه دستاورد "انقلاب مخملین" یا "نارنجی" است؛ نه هم حاصل توهم و ریاکاری "فیمینسم بورژوائی" و "دموکراسی لیبرال"؛ نه عطیه طبقات حاکمه است؛ و نه هم ثمره رفورمیسم بورژوائی در چارچوب نظام طبقاتی ارتجاعی.

ستمکشی و محرومیت زنان در جامعه طبقاتی مردسالار و دین زده ما مثل هر جامعه دیگر، زاده مناسبات تولیدی مبتنی بر مالکیت خصوصی و تقسیم اجتماعی کار از دوران باستان تا امروز، بوده است؛ شیوه ای که کلیه نهاد های روبنائی مثل سنت ها، خانواده، دین و مذهب و نهاد های دینی، قوانین (شرعی، عرفی و مدنی)، فرهنگ غیرمادی، قضا، ابزار و نهاد های دولتی، سیاست، ایدئولوژی، اخلاق و... بی وقفه در خدمت تحکیم و تداوم آن مناسبات تولیدی قرار دارند. مبارزه برای تغییر نظم کهن مبتنی بر مالکیت خصوصی، استثمار و تقسیم کار و نابرابری اجتماعی، وظیفه تمامی طبقات و اقشار و نیرو های سیاسی - اجتماعی تحت ستم و استثمار در جامعه است. در این هم‌رهی، نقش پیشگامی نیز از آن نیروی اجتماعی ایست که رسالت رهائی خود و کلیه ستمکشان را به دوش دارد.

جنایتکاران و فاشیست های تمامیتخواه و شوونیست طالب با حمایت و اغماض دول امپریالیستی - ارتجاعی بیرونی، با سرسختی تمام در ادامه جنایات تراز فاشیستی تا کنونی شان در حق زنان و مردان ستمدیده و دربند افغانستان؛ علاوه از دشمنی آشکار با زنان و دختران متعلم، محصل، معلم و استاد دانشگاه و نفی موجودیت انسانی زن در جامعه، امروز دوشنبه پانزدهم حوت ۱۴۰۱ش به مناسبت نخستین روز گشایش مکاتب و دانشگاه های دولتی و خصوصی در مناطق سردسیر کشور با منع دختران متعلم، محصل، معلم و استاد دانشگاه از رفتن به صنوف درسی مکاتب و دانشگاه ها، یک بار دیگر این دشمنی آشکار جنایتکارانه با زنان و حق تحصیل شان و نفی و انکار موجودیت انسانی زنان را، تجدید کردند.

تجارب متعدد مبارزاتی از جمله مبارزات اعتراضی جاری چندین ماهه زنان و جوانان معترض ایران و اعتراض های پراکنده زنان معترض افغانستان نشان داد که کسب دستاورد ها و فتح سنگر ها و عقب زدن گروه فاشیست تمامیتخواهی مثل طالبان و نظام حاکم آدمکش آخوندی در ایران، کار سهل الوصولی نیست. در این کارزار سرنوشت ساز تاریخی، نقش اندیشه پیشرو و رهائیبخش رهنمونی، داشتن برنامه، شعار ها و تاکتیک و ستراتیژی روشن مبارزاتی، نیروی رهبری حاضر در میدان (تشکیلات پیشرو) در کنار انسجام و بسیج آگاهانه و هدفمند توده های تحت ستم و استثمار، برای کسب پیروزی و تحقق هدف (واژگونی نظم کهن)، حیاتی است و بدون این شرایط، پتانسیل مبارزاتی نیرو های رزمجو به هدر می رود.

لذا با توجه به رخوت زمستانی حاکم بر جنبش مستقل دموکراتیک و پیشرو کشور، مهجوریت روشنفکران انقلابی از توده ها، خستگی مفرط و کنار کشیدن تعدادی از فعالان خرده بورژوا، انحرافات عدیده راست روانه، تسلیم طلبانه و انحلال طلبانه، جذب نشدن خون تازه در رگ های جنبش، و در نتیجه حالت جذر مبارزه، وضع ابتر و متشتت نیرو

های مبارزاتی و توده های خلق به شمول زنان، سنگین تر بودن زنجیر بر دست و پای زنان کشور و مهم تر از همه، فقدان اجماع آراء در میان منسوبان جنبش انقلابی کشور در مورد عوامل متعدد موارد فوق؛ مبارزات دموکراتیک و مترقی توده های تحت ستم و استثمار کشور و گردان های پیشرو، به ویژه مبارزات زنان ستمکش افغانستان و روند انسجام، بسیج و اوچگیر شدن آن خیلی کند، توأم با افت و خیز ها، دشوار و طولانی خواهد بود.

با این وصف، رهائی کامل و همه جانبه زنان کشور در کلیه عرصه های حیات ملی، فقط با طرد هر گونه توهمات و نسخه های منسوخ یاد شده در فوق، از طریق رهائی تمامی زحمتکشان کشور و به حاکمیت ملی و اجتماعی رسیدن آن، تحقق یافتنی است. آرمان آزادی و برابری زن و مرد و رهائی از این ورطه هولناک و غم انگیز جاری، آرزوی قلبی هر زن و مرد ستمکش این کشور است.

زنده باد همبستگی مبارزاتی زنان مبارز افغانستان و جهان!

مرگ بر ارتجاع جنایتکار و زن ستیز اسلامی، چه طالبی، چه آخوندی!